

نقش تحولات سیاسی در اوضاع تجاری خراسان در دو سده نخست اسلامی

نصرالله پورمحمدی املشی*

غلامرضا یوسفی**

محمد محمدپور***

چکیده

خراسان از لحاظ موقعیت تجاری سالیان متمادی پل ارتباطی شرق و غرب به‌شمار می‌رفت. این منطقه از طریق راه‌های تجاری به مناطقی مانند هند و چین و اروپای شرقی و تبت وصل می‌شد. از طرف دیگر وجود بازارهای پر رونق در شهرهای مختلف مانند بلخ، مرو و نیشابور به موقعیت تجاری آنجا رونق داده بود. این مقاله درصدد بررسی اوضاع اقتصادی خراسان و رابطه آن با کنش‌های سیاسی منطقه از سده اول تا برآمدن نخستین دولت محلی می‌باشد و می‌توان به این نتیجه رسید که رونق تجارت در این منطقه تحولات سیاسی و تاریخی مهمی را در آنجا رقم زده بود، که می‌توان از شکل‌گیری داستان‌های حماسی، ورود یزدگرد ساسانی به آنجا، حضور قبایل کثیر اعراب، سقوط امویان و برآمدن عباسیان و نیز تشکیل اولین دولت‌های محلی پس از سقوط ایران به دست مسلمانان یاد کرد که ظرفیت اقتصادی آن تأثیر بسزایی در این زمینه داشت.

واژگان کلیدی

خراسان، اوضاع اقتصادی، تجارت، صنعت، تحولات تاریخی

*. استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). poor_amlashi@yahoo.com

** کارشناسی ارشد تاریخ اسلام و مدرس گروه معارف دانشگاه مولانا. yousefi_1365@yahoo.com

*** کارشناسی ارشد تاریخ اسلام و مدرس گروه معارف دانشگاه مولانا. rahmand10@ymail.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۹/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۲/۰۵

طرح مسئله

خراسان سرزمینی وسیع و دارای مراکز اقتصادی چون نیشابور، مرو، بلخ و هرات بود. با توجه به تولید انواع محصولات صنعتی و تولیدی و زراعی در این مراکز، مازاد این محصولات توسط تجار و بازرگانان و در پرتو گسترش راه‌های تجاری که خراسان را به مناطق مختلف در شرق و غرب مانند هند و چین و بغداد متصل می‌کرد به سرزمین‌های هم‌جوار صادر می‌شدند. اوضاع درخشان اقتصادی منطقه که با توجه به شرایط جغرافیایی، نشئت گرفته از تجارت و بازرگانی بود، پیش‌زمینه مهم‌ترین تحولات سیاسی را رقم زده بود. بنابراین مسئله اصلی پژوهش این است که با مطالعه وضعیت اوضاع اقتصادی خراسان و ارتباط آن با تحولات سیاسی منطقه از سده اول تا برآمدن نخستین دولت محلی در منطقه، به سؤالات ذیل پاسخ دهد:

۱. موقعیت تجاری خراسان از چه مؤلفه‌هایی تشکیل شده بود؟
۲. این موقعیت، در شکل‌گیری کدام تحولات حماسی و سیاسی منطقه از سده اول تا برآمدن نخستین دولت محلی مؤثر بوده است؟

موقعیت تجاری

راه‌های تجاری در خراسان

وجود جاده‌های مهم تجاری که از این سرزمین می‌گذشت موقعیت تجاری این سرزمین را دو برابر کرده بود. یکی از این راه‌ها راه معروف ابریشم بود که کاروان‌های تجاری شرق را به غرب انتقال می‌داد. این راه از دریا در شرق چین آغاز و با گذر از کاشغر، شهرهای بخارا، سمرقند، بلخ، مرو، کابل و نیشابور در نهایت به مناطق شرقی و جنوب شرقی دریای مدیترانه می‌رسید.^۱

علاوه بر آن، راه‌های دیگری نیز بودند که کالاهای خراسان را به هند می‌رساندند. نخستین راه در شمال خراسان از بلخ به سواحل سند می‌رسید. این راه بازرگانی شهر بلخ و کابل را به هند متصل می‌کرد و پروان در شمال کابل جای بازرگانان به‌شمار می‌رفت که به دروازه هندوستان معروف بود.^۲ راه دوم تجاری به هند از شهر غزنه شروع و به سرزمین پنجاب می‌رسید و این راه به راه ادویه می‌پیوست. ابوزید سیرافی، درباره آن می‌گوید: از هندوستان قافله‌های تجاری به

۱. مظاهری، زندگی مسلمانان در قرون وسطی، ص ۳۹۴.

۲. مؤلف ناشناخته، حدود العالم من المشرق الی المغرب، ص ۱۲۵.

خراسان می‌آیند و بعد از بارگیری از آنجا به هند می‌روند.^۱ راه سوم، خراسان را به هند از طریق نیشابور متصل می‌کرد.^۲ هرات در این مسیر، محل تقاطع کاروان‌های تجارتی بود.^۳ خراسان از طریق غرب با عراق تجارت داشت. راه خراسان به بغداد ادامهٔ سومین راه تجارتی هند به خراسان است که از طریق نیشابور به ری، حلوان در غرب ایران و از آنجا به بغداد می‌رفت.^۴

راه تجاری دیگری از خراسان به سمت جنوب وجود داشت که از نیشابور شروع و به شیراز می‌رسید و به خلیج فارس منتهی می‌شد.^۵

راه‌های دیگری نیز بود که خراسان را به اروپای شرقی متصل می‌کرد. اولین راه از طریق راه شمال شرقی دریای خزر به بلغار می‌رفت. از طریق این جاده، یهودیان خراسان با سرزمین خزرها دادوستد می‌کردند.^۶ راه دومی نیز خراسان را به کشورهای واقع در کنار رود ولگا متصل می‌کرد و از آنجا به اروپای شرقی می‌رسید.^۷ راه دیگری نیز بوده است که از بخارا آغاز و به بلغار ختم می‌شده است. ابن فضلان می‌گوید: بلغار مرکز بزرگ تجاری بود که جاده‌هایی در جهات مختلف کشورهای اروپای مرکزی و شرقی از آن کشیده شده بود. این جاده‌ها به سوی سرزمین روس‌ها یعنی کیف در غرب، و سرزمین صلاویه^۸ در شمال غربی امتداد داشت.^۹ علاوه بر این راه‌ها، راه مهم دیگری وجود داشت که شاهراه خراسان نام داشت و مراکز مهم بازرگانی را در ماوراءالنهر و خراسان به هم متصل می‌کرد.^{۱۰}

۱. سیرافی، سلسله التواریخ یا اخبار الصین والهند، ص ۲۰۱.
۲. یعقوبی، البلدان، ص ۱۰۱.
۳. اصطخری، مسالک و ممالک، ص ۲۶۵.
۴. ابن رسته، الاعلاق النقیسه، ص ۲۰۱.
۵. ابن خردادبه، مسالک و ممالک، ص ۵۱؛ باسورث، تاریخ غزنویان، ص ۱۵۱ - ۱۵۰.
۶. مؤلف ناشناخته، حدود العالم، ص ۱۲۳ - ۱۲۲.
۷. ابن فقیه، البلدان، ص ۱۰۸ - ۱۰۷.
۸. شهری در شمال غربی بلغار که در بالای کوه قرار داشت. (مؤلف ناشناخته)، حدود العالم، ص ۶۱؛ ادریسی، نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق، ج ۲، ص ۹۱۷.
۹. ابن فضلان، سفرنامه، ص ۱۰۸ - ۱۰۰.
۱۰. لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۴۸۵.

کالاهای تجاری و ضرب سکه در خراسان

یک. کالاهای تجاری

از کالاهای تجاری خراسان در دو سده اول هجری اطلاعات زیادی در دست نیست. با این وجود مواردی در لابه‌لای منابع وجود دارد. برخی از این کالاها را هیون تسینگ جهانگرد چینی که در سال نهم هجری به سرزمین خراسان آمده بود در سفرنامه خود آورده است که شامل: طلا، نقره، یشم سپید، مروارید، عنبر، انواع جواهرات و احجار می‌شد.^۱ طبری نیز به نمونه‌ای از کالاهایی اشاره می‌کند که در سنه ۱۲۰ ق توسط دهقان هرات به اسد بن عبدالله حکمران بلخ تقدیم گردید و از جمله آنها می‌توان به جام‌ها و سینی‌های طلا و نقره و دیبایهای مروی و قهستانی اشاره نمود.^۲ او همچنین در ذیل حوادث ۱۲۹ ق در جریان دعوت ابومسلم، مال‌هایی که در اختیار ابراهیم امام بود به کالاهای بازرگانی از قبیل: دیبایهای قهستانی و مروی و حریر و پُرند، شمش‌های طلا و نقره اشاره می‌کند.^۳ اخبار منابع در رابطه با تولیدات خراسان حاکی از آن است که طی دو قرن اول، شمش‌های طلا و نقره، صنعت بافندگی ابریشم، پارچه‌بافی، پنبه و کتان از کالاهایی بود که در مناطق مختلف تولید و صادر می‌شد. چنانچه ملحم و دیباج (زریفت) خراسانی از هدایایی بود که مأمون برای حکام هند می‌فرستاد. همچنین از هدایایی که علی بن عیسی بن ماهان به هارون الرشید هدیه کرد نیز «ملحم و دیباج» به چشم می‌خورد.^۴

شهرهایی مانند نیشابور به علت تولید محصولات صنعتی و نیز رواج سکه‌هایی از طلا و نقره به علت دارا بودن معادن فراوان، در رشد دادوستد تأثیر بسزایی داشت.^۵ به این علت، مقدسی نیشابور را تجارتخانه شرق و غرب و نیز دروازه سند و کرمان و فارس و بارانداز کالاهای خوارزم، ری و گرگان معرفی می‌کند.^۶ مهم‌ترین محصول صادراتی آن پارچه‌های ابریشمی و قالی‌هایی بود که در رنگ‌های متنوع بافته می‌شد.^۷ اشاره ابن‌فندق به بافت انواع قالی در خسروجرد از

۱. حبیبی، تاریخ افغانستان بعد از اسلام، ص ۴۷۷.

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۱، ص ۴۲۲۰.

۳. همان، ص ۴۳۴۲.

۴. مناظر احسن، زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان، ص ۷۰.

۵. اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۲، ص ۳۲۱؛ فرای، عصر زرین فرهنگ ایران، ص ۳۲۶ - ۳۲۵.

۶. مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ج ۲، ص ۴۶۰.

۷. ابن‌حوقل، صورة الارض، ص ۱۶۸؛ اصطخری، مسالك و ممالک، ص ۲۰۵.

نواحی بیهق مؤید این است.^۱ در نساء و ابیورد، ابریشم خام، پارچه‌های ابریشمی و پوست دباغی، جنبه صادراتی داشت.^۲ حصیربافی، تنگ اسب، زیلوی و پلاس نیز از صنایع صادراتی طوس بود.^۳ مهم ترین پایه اقتصادی بخش بلخ نیز اقتصاد تجاری بود؛ چراکه تولیدات آن از این طریق به مناطق مختلف صادر می‌شد و سود زیادی از این راه عاید تجار می‌شد به طوری که مؤلف *حدود العالم* بلخ را مکان بازرگانان و بارکده هند نامیده است.^۴ ابن حوقل می‌گوید: شهر بلخ مرکز تجارت است و اشتران بختی آنجا صادر می‌شود^۵ و در صنعت نخ‌ریسی نیز چادرهایی که برای زنان بافته می‌شد جنبه صادراتی داشت.^۶ همچنین صنعت صابون‌سازی،^۷ عطرسازی و کبریت‌سازی بلخ شهرت فراوانی داشته و به نقاط دیگر صادر می‌شدند.^۸ کالاهای دیگری از قبیل برده از نقاط دیگر به این شهر آورده می‌شد و به نقاط دیگر فرستاده می‌شد، طوری که واعظ بلخی از تجارت برده در این شهر سخن گفته که از ترکستان به این سرزمین می‌آمد و از آنجا به مناطق مختلف صادر می‌شد^۹ که موجب رونق اقتصادی این ناحیه گردیده بود.

در شهر کابل تجار به خاطر وجود محصول هلیله وارد این شهر می‌شدند.^{۱۰} ابن حوقل از صادرات پارچه‌ها و جامه‌های پنبه‌ای آن به چین و هند خبر می‌دهد^{۱۱} که بازرگانان در آن گرد می‌آیند.^{۱۲} در سرزمین جوزجانان پرورش چهارپایان رواج داشت^{۱۳} و پوست دباغی شده به ماوراءالنهر

۱. ابن فندق، تاریخ بیهق، ص ۲۸۰ - ۲۷۷.

۲. مقدسی، احسن التقاسیم، ج ۲، ص ۴۵۶.

۳. مؤلف ناشناخته، *حدود العالم*، ص ۹۷ - ۹۰.

۴. همان، ص ۹۹.

۵. ابن حوقل، *صورة الارض*، ص ۱۸۲.

۶. لسترنج، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ص ۴۵۷.

۷. ثعالبی، *لطایف المعارف*، ص ۲۵۰.

۸. لسترنج، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ص ۴۵۷.

۹. واعظ بلخی، *فضائل بلخ*، ص ۴۷.

۱۰. یعقوبی، *البلدان*، ص ۶۷.

۱۱. ابن حوقل، *صورة الارض*، ص ۱۸۴.

۱۲. مقدسی، *احسن التقاسیم*، ج ۲، ص ۴۴۳.

۱۳. همان.

صادر می‌شد.^۱ در کندرم و شهر سان از دیگر شهرهای جوزجانان، چهارپایان زیادی به نقاط دیگر صادر می‌شد.^۲

بازرگانی در بخش مرو نیز رواج زیادی داشت چون بیشتر تولیدات آن جنبه صادراتی داشت که مهم‌ترین آن پارچه‌های ابریشمی و نخی،^۳ کرباس‌های مروی، خربزه خشک شده و انگور بود که به سایر مناطق هم‌جوار مثل بغداد ارسال می‌گردید.^۴ مقدسی شهرهای جیرنج،^۵ خرق^۶ و باشان^۷ را دارای بازارهای تجاری دانسته که در آنجا کالاهای مختلف عرضه می‌شد.^۸ بخش هرات نیز دارای محصولات صادراتی بود که از جمله این کالاها می‌توان به صادرات کرباس، انواع شیرینی و پوشاک اشاره کرد.^۹

غرجستان نیز از مناطق تجاری مهم بود به طوری که مقدسی این سرزمین را یک منطقه تجارتی دانسته که دارای کاروان‌سراهایی زیبا و مرفه برای تاجر بود.^{۱۰} جیهانی و ابن‌حوقل از صادرات محصول برنج باشین به بلخ و شهرهای هم‌جوار سخن گفته‌اند.^{۱۱}

دو. ضرب سکه در خراسان

یکی از عوامل مهمی که نقش بسزایی در رونق تجاری منطقه خراسان داشت، سکه‌هایی بود که در این سرزمین ضرب می‌گردید. پس از استیلای عرب بر ایران تا زمان عبدالملک، پولی که در ایران

۱. ابن‌حوقل، *صورة الارض*، ص ۱۷۷.
۲. اصطخری، *مسالك و ممالك*، ص ۲۱۴؛ مؤلف ناشناخته، *حدود العالم*، ص ۹۸ - ۹۵.
۳. اصطخری، *مسالك و ممالك*، ص ۲۰۸ - ۲۰۵.
۴. همان؛ ابن‌حوقل، *صورة الارض*، ص ۱۹۹؛ مقدسی، *احسن التقاسیم*، ج ۲، ص ۴۳۵.
۵. شهر کوچکی در خاک مرو بود. (همان، ص ۳۴۹؛ اعتمادالسلطنه، *مرآة البلدان*، ج ۴، ص ۲۳۶۸؛ ابن‌حوقل، *صورة الارض*، ج ۲، ص ۴۲۹)
۶. روستایی بزرگ در شهر مرو که دارای انگور فراوانی بود. (همان، ص ۴۵۶؛ مقدسی، *احسن التقاسیم*، ج ۲، ص ۴۶۴؛ یاقوت حموی، *معجم البلدان*، ج ۲، ص ۱۱۸)
۷. نام روستایی در هرات بود. (همان، ج ۱، ص ۳۲۲)
۸. مقدسی، *احسن التقاسیم*، ج ۲، ص ۴۵۶ - ۴۵۵.
۹. مؤلف ناشناخته، *حدود العالم*، ص ۹۱؛ ابن‌حوقل، *صورة الارض*، ص ۱۷۳؛ مقدسی، *احسن التقاسیم*، ج ۲، ص ۴۴۸.
۱۰. همان، ص ۴۵۱.
۱۱. جیهانی، *اشکال العالم*، ص ۱۶۹؛ ابن‌حوقل، *صورة الأرض*، ص ۱۷۸.

رواج داشت همان سکه های ساسانی بود.^۱ اولین کسی که به صورت عمومی سکه اسلامی ضرب کرد و آن را رسماً رواج داد، عبدالملک بن مروان (۸۶ - ۷۶ ق) بود که برای اولین بار دینارهای اسلامی و درهم‌هایی ضرب کرد و سپس به نظارت در امر سکه پرداخت.^۲ عاملانی که در خراسان حضور داشتند از این زمان به بعد نام خود را بر روی سکه‌ها نقش می‌کردند که از جمله آنها می‌توان به عبدالله بن عامر، عبیدالله بن زیاد، عبدالرحمن بن زیاد اشاره کرد.^۳ از دارالضرب‌های امویان در خراسان می‌توان به شهرهای بلخ، سرخس، مرو، مرو رود و هرات اشاره کرد.^۴

حاکمان دوره عباسی نیز در شهرهای مختلف خراسان، سکه‌هایی را ضرب کرده‌اند که تأثیر زیادی در تجارت منطقه خراسان داشت. حاکمان خراسان دارالضرب‌هایی در برخی از شهرهای خراسان داشتند که سکه به نام خود ضرب کرده‌اند و از جمله آنها می‌توان به ابومسلم خراسانی اشاره کرد که به نام خود سکه زد و نیز مسیب بن زهیر، والی خراسان از طرف مهدی عباسی در سال ۱۶۶ ق درهم‌هایی ضرب کرد که معروف به درهم مسیبی است و یکی از سکه‌هایی بود که مردم با آن زیاد دادوستد می‌کردند.^۵ از دارالضرب‌های عباسیان در خراسان می‌توان به دارالضرب‌هایی که در شهر نیشابور، بلخ، پوشنگ، مرو و پنج‌هیر اشاره کرد.^۶

سه. رابطه اقتصادی خراسان با سرزمین‌های دیگر

۱. تجارت خراسان با چین

سرزمین مهمی که در شرق به علت تولید ابریشم برای تجارت جذابیت داشت چین بود که تجار از نقاط مختلف برای تجارت به آنجا می‌رفتند. هنگامی که لشکریان عرب به سیحون رسیدند، رفت‌وآمد تجار اسلامی به چین میسر شد و در جزیره‌های «های نن» و شهرهای «یانگ جو» و «گوانگ جو» اقامت گزیدند.^۷

۱. نفیسی، تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان، ص ۱۷۴.

۲. جمشید نژاد اول، نظام‌های اقتصادی صدر اسلام، ص ۵۱.

۳. نفیسی، تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان، ص ۱۷۵.

۴. عقیلی، دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی، ص ۳۹۷؛ سرافراز، سکه‌های ایرانی از آغاز تا دوره زندیه، ص ۱۷۹ و ۱۸۳.

۵. گردیزی، زین الاخبار، ص ۲۸۳.

۶. عقیلی، دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی، ص ۳۹۹.

۷. مرادزاده، چگونگی و گسترش اسلام در چین، ص ۱۰۲.

بیشتر ایرانی‌هایی که از جاده ابریشم به چین رفتند و در آنجا اقامت گزیدند، خراسانی و سغدی بودند.^۱ مرکز مسلمانان در چین «سین کیانگ» بود و هنور هم اسامی فارسی از قبیل اصفهانی و خراسانی دارند. تجار مسلمان، ابریشم و ظروف چینی و سایر امتعه تجاری از چین به خاورمیانه می‌بردند و در بازگشت، از نباتات طی، ادویه و مروارید به چین می‌بردند.^۲ در زمان خلفای اموی، گروهی از ایرانیان به هند و چین رفتند^۳ و فرد مهمی که در این زمان از خراسان به چین رفته بود «به آفرید» نام داشت. او مدت هفت سال در چین ماند. چون از آنجا آمد از طرفه‌های چینی جامه‌ای سبزرنگ با خود آورد.^۴

یعقوبی می‌گوید: انواع مشک از تبت و از سرزمین‌های جنوبی چین به خراسان آورده می‌شد و از آن جمله، مشک قصاری^۵ که بازرگانان خراسان آن را از طریق خراسان به نقاط دیگر صادر می‌کردند و همچنین عود صنفی^۶ منسوب به شهر صنف چین از بهترین عودها بود و عود قطنی^۷ و منطاولی و لوقی نیز از چین آورده می‌شد.^۸ همچنین ظرف‌ها و مواد ابریشمی ساخت چین در تجارت‌خانه خراسانی‌ها در معرض فروش قرار می‌گرفت.^۹ چینیان از خراسان اسب و کالاهایی مانند شیشه، منسوجات ابریشمی نیز به کشور خود وارد می‌کردند.^{۱۰}

موقعیت جغرافیایی خراسان این ظرفیت را داشت که علاوه بر اینکه خود با چین تجارت می‌کرد، پل تجاری بین چین و سایر مناطق بود. چنانچه احجار کریمه شام و مروارید و مرجان بحر قلزم و جامه‌های بافته شده شام و مصر و مسکرات آسیای غربی از راه خراسان به چین صادر می‌شد.^{۱۱}

۱. مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، ص ۱۳۷.

۲. آذری، تاریخ روابط ایران و چین، ص ۷۷.

۳. همان، ص ۷۶.

۴. زرین کوب، دو قرن سکوت، ص ۱۳۸.

۵. منسوب به قصار که شهری بین هند و چین بود. (یعقوبی، البلدان، ص ۲۱۰)

۶. محلی است در بلاد چین یا هند که عود صنفی به آن نسبت داده می‌شود و عودی است پست. (ابن عبدالحق بغدادی، مرآة الاطلاع علی اسماء الامکنة والبقاع، ج ۲، ص ۸۵۴)

۷. نام محله‌ای در بغداد است. (یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۴۶)

۸. یعقوبی، البلدان، ص ۱۲۰ - ۱۱۸.

۹. مظاهری، زندگی مسلمانان در قرون وسطی، ص ۳۱۴.

۱۰. فرای، بخارا دستاورد قرون وسطی، ص ۱۰۴.

۱۱. حبیبی، تاریخ افغانستان بعد از اسلام، ص ۴۸۸ - ۴۸۷.

تجار خراسانی در هنگام تجارت در چین دچار اتفاقاتی نیز گردیدند. چنانچه میان بازرگان خراسانی و خادم پادشاه چین بر سر عاج و دیگر کالاهای که خراسانی از فروش امتناع می‌کرد، نزاعی در گرفت تا اینکه خادم پادشاه به ناچار بهترین کالاهای او را به زور گرفت.^۱ در *مروج الذهب* نیز از سرگذشت یک تاجر سمرقندی که از خواجه چینی که عنوان کل خزانه‌دار امپراتوری را داشته، ظلم و ستم دیده و مال خود را از دست داده بود، یاد شده که وی به‌خاطر این ظلم به پایتخت می‌رود و با پوشیدن نوعی حریر در محل شاکیان می‌ایستد و با تکان دادن زنجیر، امپراتور را از ظلم وارد شده آگاه می‌کند که در نهایت امپراتور به داد او رسیدگی، و خواجه را از ستمش عزل می‌نماید.^۲

۲. رابطه تجاری خراسان با هند

سرزمین هند از مرز منصوره و ملتان به خراسان و سند می‌پیوست و کاروان‌ها همواره از سند به سوی خراسان در حرکت بود.^۳ میان ناحیه «رخد»^۴ کاروان‌سراهایی بود و در شهر اندراس^۵ هندوان دائماً حضور داشتند.^۶ شهر بزرگ بلهاری میان خراسان و کشمیر، جای بازرگانان هند و خراسان و عراق بود و مشک بسیار داشت. در شهر دینور و در شهر لمغان بازرگانان مسلمان از همه جای خراسان مقیم بودند.^۷

هندوستان دارای محصولات هم‌چون ببر، پلنگ، فیل و پوست پلنگ و مواد خوشبوی گوناگون مانند مشک و عود بود.^۸

کالاهای هندوستان از سمت جنوب وارد خراسان می‌شد.^۹ شهرهای تجاری سند مانند

۱. سیرافی، *سلسله التواریخ یا اخبار الصين والهند*، ص ۱۱۶.

۲. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۱، ص ۱۳۹ - ۱۳۷.

۳. همان، ص ۱۶۵ - ۱۶۴.

۴. در *تاریخ سیستان* این ناحیه در حدود سیستان بیان شده است که اعراب آن را «رخج» می‌نامیده‌اند. (مؤلف ناشناخته، *تاریخ سیستان*، ص ۲۴)؛ این ناحیه در فندهار کنونی واقع بود. (حبیبی، *تاریخ افغانستان بعد از اسلام*، ص ۵۹)

۵. شهر تجاری کشمیر بود. (مؤلف ناشناخته، *حدود العالم*، ص ۱۲۲)

۶. همان، ص ۱۲۲.

۷. همان، ص ۷۶ - ۷۲.

۸. همان، ص ۶۴ - ۶۳.

۹. همان، ص ۱۰۱.

منصوره، پایگاه بازرگانان مسلمان بود و از آنجا کالاهایی هم‌چون پوست، چرم و خرما به نقاط دیگر صادر می‌شد.^۱

۳. رابطه تجاری خراسان با سرزمین‌های عربی

خراسان با کشورهای عربی نیز تجارت داشت. تجار ظروف هندی، آهن خراسانی، منسوجات رنگین کشمیری، عود، قنفل، نارگیل، جامه های نخی و البسی را از هند و سند و خراسان و از طریق خراسان به بغداد می‌بردند.^۲ مقدسی گزارشی از حرکت دائمی کاروان‌های تجاری خراسان به سوی بغداد می‌دهد که در بازگشت، محصول شکر جندی‌شاپور را با خود به خراسان می‌آوردند.^۳

رابطه تجاری بغداد با خراسان چنان رشد داشت که وقتی منصور عباسی در سال ۱۴۵ ق بغداد را ساخت، قطعاتی از زمین‌های آن را که به خدمه خود داده بود به تجار خراسانی بخشید. قطعه زمین قطریعه ربیع بن یونس از غلامان منصور، تجارت‌خانه جامه‌فروشان شد و همچنین قطایای حکم بن یوسف بلخی، ابی عبید معاویه بن برمک بلخی و منازل خالد بن برمک بلخی در بغداد به نام خراسانیان معروف بود و تاجران خراسانی در آن قطایا تجارت‌خانه داشتند. یکی از دروازه‌های بغداد نیز به نام باب خراسان معروف بود که تجار از آن دروازه به جانب خراسان می‌رفتند.^۴ یعقوبی نیز از تجار و منسوجات خراسانی در بغداد خبر می‌دهد.^۵

بازرگانان خراسان کالاهایی از قبیل یاقوت، الماس، ابریشم، چادرهای ابریشمین، جامه‌های نخی، کاغذ، پوست‌های سمور و سنجاب و روباه، فرش، مشک و عود، بردگان سفیداندام از ماوراءالنهر و خراسان به بغداد می‌بردند.^۶

بصره نقش مهمی در تجارت با خراسان داشت به طوری که یکی از محدود باراندازهای کالای تجاری خراسان به‌شمار می‌رفت.^۷

۱. همان، ص ۱۲۵ - ۱۲۳.

۲. حبیبی، تاریخ افغانستان بعد از اسلام، ص ۴۸۴.

۳. مقدسی، احسن التقاسیم، ج ۲، ص ۶۱۰.

۴. یعقوبی، البلدان، ص ۳۶.

۵. همان، ص ۱۷.

۶. همان، ص ۱۷ - ۸.

۷. همان، ص ۱۰۱.

۴. تجارت با اروپای شرقی

یکی از مهم‌ترین منابعی که از تجارت خراسان با اروپای شرقی سخن به میان آورده ابن‌خردادبه است. او از بازرگانان روسی یاد می‌کند که از دمشق و از طریق قسطنطنیه و دریای خزر به شهرهای مختلف خراسان از جمله نیشابور، مرو، هرات، بلخ، فرغانه و در نهایت به چین می‌رفتند.^۱ و همچنین سکه‌های پنهان‌شده که از اورال تا آلب گسترده است، این مسئله را روشن می‌سازد. این ذخایر شامل سکه‌های ضرب‌شده در قسمت‌های آسیایی خلافت است و دال بر رونق تجاری مسلمانان با اروپای شرقی در این دوران می‌باشد. این ذخایر نشان می‌دهند که علاقه‌مندترین مناطق به تجارت با اروپای شرقی ولایات خراسان و ماوراءالنهر بوده‌اند. بیشتر درهم‌های موجود در ذخایر منطقه استاوروپول در سمرقند، اندرابه، و نیشابور واقع در خراسان و ماوراءالنهر ضرب شده‌اند. همچنین از ذخایر یافته‌شده در کیف مؤید اهمیت تجارت این شهر با شهرهای خراسان است.^۲

به گفته ابن‌فقیه کالاهای تجاری به حجم زیاد از خراسان و از سوی دیگر از خزر و از کشور برجان (بلغار) به ری می‌رسد و جاده آغازشده از ری به بنادر طبرستان و جرجان می‌پیوست که تجار در آنجا در کشتی‌ها جمع، و در جهت مصب ولگا به سوی پایتخت خزرها حرکت می‌کردند.^۳ در جاده‌های یادشده، تجار خراسانی در رفت‌وآمد بودند و تولیدات مناطق شرقی را مانند محمولات تجملی و یا کالاهایی که از نقاط دیگر آورده می‌شد، مانند ادویه هندوستان، به مقصد اروپا از جمله مناطق ولگا در روسیه، لهستان، آلمان و مجارستان می‌بردند و در عوض محصولات سرزمین‌های اروپایی خصوصاً برده‌های اسلاو و فین را با خود می‌آوردند. در حقیقت اهمیت تجارت با اروپای شرقی در صدور برده نهفته بود. از این گذشته، محصولاتی مانند موم، عسل، پوست و جامه خز و قوش برای شکار، از کالاهای مصروف مردم در سرزمین‌های شرقی اروپا و به‌خصوص سرزمین روس بود که در جهان اسلام خواهان زیادی داشت، که در مقابل، محصولات شرقی مانند جامه، میوه، پنبه و ابریشم در میان مردم اروپا، خریداران زیادی داشت.^۴

۱. ابن‌خردادبه، مسالک و ممالک، ص ۱۵۴.

۲. ترابی طباطبایی، سکه‌های شاهان اسلامی ایرانی، ص ۳۴۲.

۳. ابن‌فقیه، البلدان، ص ۳۶.

۴. اشیپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۱، ص ۱۹۴.

بازار در خراسان در دو سده نخست هجری

عامل مهم دیگری که در شکوفا شدن اقتصاد تجاری خراسان تأثیر داشت، وجود بازارهای متعدد در این خطه بود.

اطلاعات چندانی از کارکرد بازار در خراسان در دو سده اول هجری وجود ندارد. بیشترین اطلاعات منابع درباره بازارهای خراسان مربوط به قرون سوم به بعد می‌باشد. ولی در لابه‌لای برخی حوادث سیاسی می‌توان به وجود و کارکرد بازار در برخی شهرهای خراسان طی آن قرون پی برد. چنانچه طبری از اسیرانی سخن می‌گوید که توسط اسد بن عبدالله در هنگام بازگشت از جنگ سمرقند در بازار بلخ به‌عنوان برده فروخته شدند.^۱ همچنین ابن‌اثیر در ذیل شورش حارث بن سریح و جنگ وی با نصر بن سیار، آخرین والی خراسان، اشاره به تسلط حارث بر بازار مرو می‌کند.^۲ بازار قدیمی مرو که در شارستان بود زمانی از رونق افتاد که ابومسلم خراسانی بازارهای جدیدی در کنار نهر ماجان شهر ساخت.^۳

اطلاعات بیشتر درباره کارکرد بازار در خراسان را جغرافیانویسان مسلمان ارائه کرده‌اند. ابن‌حوقل در رابطه با بازارهای نیشابور می‌نویسد: بازارها در رض بیرون شهر و کهن دژ قرار دارد. بهترین آنها دو بازار است به نام‌های *مربعة الكبيرة* (چهارسوی بزرگ) و *مربعة الصغيرة* (چهارسوی کوچک). در میانه این بازارها، کاروان‌سراهایی وجود دارد که بازرگانان در آنجا می‌نشینند و نیز خانبارهایی برای دادوستد وجود دارد. هر کاروان‌سرای دارای کالاهایی به خصوص است. کفشگران و خرازان و ریسمانگران متعدد بودند که در بازارهای مخصوص به خودشان در کاروان‌سراهایی به کار اشتغال دارند. اما در کاروان‌سراها و خانبارهای بزازان از بازرگانان شهرهای دیگر هم بودند و دادوستد می‌کردند.^۴

اصطخری و ابن‌حوقل شهر بلخ را شهری تجاری توصیف می‌کنند و به وجود بازارهای بلخ در پیرامون مسجد جامع در وسط شهر اشاره می‌کنند.^۵

بیشترین گزارش‌ها از کارکرد تجاری بازارهای خراسان را مقدسی ارائه داده است. وی اشاره

۱. طبری، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۴۱۸۶.

۲. ابن‌اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱۴، ص ۲۱۷.

۳. مقدسی، *احسن التقاسیم*، ج ۱، ص ۱۷۰.

۴. ابن‌حوقل، *صورة الارض*، ص ۱۶۸.

۵. لسترنج، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ص ۴۵۵.

به وجود بازاری بزرگ و گرم در شهر طالقان از توابع جوزجانان نموده است که در آن انواع تجارت‌ها صورت می‌گرفته است.^۱

از دیگر شهرهای خراسان می‌توان به سرخس، ترشیز، طابران، نساء و ایبورد اشاره کرد که نقش مهمی در اقتصاد منطقه خراسان ایفا می‌کردند و منابع نیز به آنها اشاره نموده‌اند.^۲ با اوصافی که از وضعیت فوق‌العاده تجاری خراسان گفته شد می‌توان گفت از علل مهم تحولات حماسی و سیاسی نیز که در ذیل تک تک آنها توضیح داده خواهد شد، نشئت گرفته از آن وضعیت فوق‌العاده بود.

جایگاه اوضاع اقتصادی خراسان در بروز تحولات حماسی و سیاسی

یک. شکل‌گیری داستان‌های حماسی

با توجه به اینکه تولد شخصیت‌های داستان‌های حماسی در سرزمینی به غیر از خراسان بود. اما ظاهراً به علت وضعیت اقتصادی شکوهمند آنجا، دلاوری‌های آنها در خراسان تجلی داشت. زیرا جذابیت اقتصادی خراسان چنان بود که اشعار اغراق‌آمیز شاعران درباره شخصیت‌های حماسی با آن مطابق بود. از نمونه این داستان‌ها که در شاهنامه یاد شده است، می‌توان به رستم و سیاوش اشاره کرد. که جای‌جای محتوای اشعار اینها با کالاهای تولیدی خراسان و روابط تجاری آن با چین و ... تزیین شده است. چنانچه فردوسی در عین وصف این داستان‌ها، به‌طور غیرمستقیم از وضعیت تجاری درخشان این منطقه با وصف محصولات تولیدی فراوان، بازرگانان، کاروان‌های تجاری، تکرر کالاهای چینی در این منطقه به‌علت روابط تجاری با چین و نیز وجود تجارت برده پرده برمی‌دارد.

به‌طوری که در اشعار زیر مشاهده می‌شود یاد کاروان و بازرگانان در این منطقه مؤید این است که از دیرباز این منطقه به‌ویژه نواحی اطراف جیحون و بلخ به‌علت موقعیت فوق‌العاده تجاری، محل عبور کاروان‌های تجاری از مناطق مختلف بود. چنانچه پیشتر اشاره شد کالاهای تجاری این مناطق توسط بازرگانان و کاروان‌های تجاری به مناطق مختلف حمل می‌شدند.

اشعار زیر نیز مؤید کالاهای تجاری این منطقه است که از دیرباز رواج داشت.

نامه سیاوش به کاووس و رفتن او به نزد افراسیاب

۱. مقدسی، احسن التقاسیم، ج ۲، ص ۴۵۵ - ۴۴۰.

۲. همان، ص ۴۷۰ - ۴۵۶.

همه خاک مشکین شد از مشک تر همه تازی اسبان برآورده پر
که یاد آمدش بزم زابلستان بیاراسته به کابلستان
بسی زر و گوهر همی ریختند زیر مشک و عنبر همی بیختند^۱

عروسی سیاوش با فرنگیس

زبرجد طبق‌ها و پیروزه جام پر از نفه مشک و پر عود خام
زگسترده‌ها شترها شصت ز زربفت پوشیدنی‌ها سر دست
زسیمین و زرین و شتر و ارسی طبق‌ها و از جامل پارسی
به گنج اندرون آنچه بد نامدار گزیدند زربفت چینی هزار^۲

همان طوری که مشاهده می‌شود در این اشعار از زر و سیم و کاسه‌های سیمین و پارچه‌های زربفت سخن رفته، که در خراسان به‌وفور یافت می‌شدند. شعر دیگر نیز نشانگر وجود تجارت برده از قدیم الایام در این منطقه بود، که در بازگشت رستم از جنگ افراسیاب نمایان می‌شود.

بازگشتن رستم به ایران و افراسیاب به توران

تهمتن چو بشنید شرم آمدش به رفتن یکی گرم آمدش
غلام و پرستندگان ده هزار بیاورد شایسته شهریار^۳

اساساً ورود برده از سرزمین ترکان به خراسان از دیرباز یکی از زیربناهای اقتصادی این منطقه بود. چنانچه ذکر خواهد شد بیشتر حاکمانی که از ورود اعراب تا قرن پنج در خراسان بودند، سود کلانی از داد و ستد کسب می‌کردند.

دو. ورود یزدگرد به خراسان

مورد دیگر که می‌توان به آن اشاره نمود ورود یزدگرد ساسانی به سرزمین خراسان بود که به نظر می‌رسد یکی از دلایل ورود وی به این سرزمین، شکوه اقتصادی و رونق تجاری این منطقه بوده است. با تعقیب سربازان عرب، یزدگرد به سیستان و سپس به خراسان فرار می‌کند.^۴ بنابراین

۱. فردوسی، شاهنامه، ج ۱، ص ۱۳۰.

۲. همان، ص ۱۵۰.

۳. همان.

۴. طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۵.

می‌توان علت اصلی فرار وی به خراسان، علاوه بر اینکه خراسان به علت مسافت طولانی از دسترس اعراب خارج بود، به دلیل وضعیت اقتصادی درخشان آن بود. زیرا ظاهراً از یک طرف وی قصد داشت با استفاده از ثروت حاکمان خراسان که به خاطر رابطه تجاری با چین ثروت زیادی کسب کرده بودند،^۱ زمینه باز پس‌گیری مناطق از دست رفته را به دست آورد. چنانچه این امر از درخواست پناهندگی وی به ماهوی سوری، مرزبان نیشابور پیداست و اشعار آن در ذیل آمده است.

ز زرینه و گوهر نابسود ز چیزی که آن را باید ستود
شتروار سیصد ز نفت سیاه بیارند بر باره‌ها تا دوماه
به‌سوی خراسان نهادیم روی بر مرزبانان پرخاشجوی^۲

و از طرف دیگر، از آنجا که این وضعیت مدیون روابط تجاری خراسان با حاکمان چین بود، او قصد داشت با استفاده از این فرصت، به چینی‌ها نزدیک شده و برای تصاحب تاج و تخت از دست رفته از کمک آنها نیز غافل نماند. ظاهراً چینی‌ها هم به خاطر سودبری از تجارت با خراسان، تمایل نداشتند حکومت دیگری جز ساسانیان بر خراسان باشد، به این دلیل به خانواده سلطنتی کمک می‌کردند تا مناطق از دست رفته را به دست بیاورند. زیرا هرچند برخی از حاکمان خراسان مانند ماهوی سوری، مرزبان مرو زمینه‌های قتل یزدگرد را فراهم آوردند، اما بعد از قتل وی، به فرزندش فیروز کمک کردند تاج و تخت را به دست بیاورد اما موفق نشد.^۳

سه. ورود اعراب به خراسان

از آنجا که تنها حرفه مورد علاقه اعراب تجارت بود، ظاهراً از علل اصلی حضور شماری از آنها در خراسان به خاطر موقعیت فوق‌العاده تجاری آنجا و رابطه‌اش با چین بود. اعراب که مردمی تجارت‌پیشه بودند از جذابیت‌های تجاری این سرزمین و دیگر جاها داستان‌های زیادی شنیده بودند. چنانچه برخی از حکام عرب خراسان مانند قتیبه بن مسلم با انگیزه تجاری در تلاش بودند تا رابطه تجاری با چین برقرار کنند. وی بعد از فتح بلخ، فرغانه، بخارا، سغد تا کاشغر پیش می‌رود و پادشاه چین یکی از اعراب را می‌خواند تا از دین آنها با خیر شود و قتیبه به ده نفر دستور

۱. مسعودی، مروج الذهب، ج ۱، ص ۱۳۸ - ۱۳۷.

۲. فردوسی، شاهنامه، ج ۴، ص ۵۴۳.

۳. کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۴۸۶.

می‌دهد تا سازوبرگ بردارند و لباس‌های فاخر بپوشند و بر اسب‌های گرانبها سوار شوند و به‌عنوان سفیر به‌سوی چین بروند.^۱

در اهمیت موضوع تجارت در نزد اعراب باید گفت، یکی از دلایل مهم رقابت‌ها و نزاع‌های بین قبایل نزاری و یمنی در خراسان امر تجارت بود.^۲ قبایل عرب در خراسان بیشتر در شهرهایی مستقر بودند که در مسیر بازرگانی غرب به شرق قرار داشتند مانند: بخارا، نیشابور، بلخ و مرو، بعد از ورود اسلام به این مناطق بازرگانی به‌خصوص در مرو، بخارا و خوارزم رونق بیشتری یافته بود.^۳

گزارش منابع، مؤید آن است که برخی اهل حدیث نیز در خراسان به تجارت می‌پرداختند. در *طبقات الکبری* آمده، فرد محدثی به نام «عبیدالله سجزی» در نیشابور به تجارت می‌پرداخت.^۴ حنبلی نیز از فرد محدثی به نام «مسلم بن الحجاج» که از تجار ثروتمند نیشابور بود یاد کرده است.^۵ به‌علت گسترش فتوحات در خراسان، اعراب از تجارت برده نیز سود می‌بردند. چنانچه گردیزی می‌نویسد: «وقتی که مردم بادغیس در سال ۵۱ ق مرتد شدند، شداد بن خالد، حاکم خراسان بر ایشان تاختن آورد و قومی را بکشت و تنی چند را برده کرد.»^۶ عبیدالله بن زیاد پس از پایان ولایتش در خراسان، همراه با دو هزار برده از بخارا به بصره آمد. و نیز یکی از شروط صلح قتیبه بن مسلم با مردم بر سه هزار برده بود که در میان آنها کودک و پیرمرد نباشد.^۷ از شرایط صلح زادویه، حاکم سرخس با عبدالله بن عامر، صد تن برده بود.^۸ اسپرانی که در خراسان عنوان حکم برده داشتند در بازارها به فروش می‌رسیدند. چنانچه اسد بن عبدالله، حاکم خراسان، افراد خانواده حارث بن سربیع، از مخالفان امویان را در بازار بلخ فروخت.^۹

۱. ابن خلدون، *العبر*، ج ۲، ص ۱۴۵.

۲. فرای، *عصر زرین فرهنگ ایران*، ص ۹۳.

۳. همان، ص ۱۶۲.

۴. واقدی، *طبقات الکبری*، ج ۷، ص ۳۸۲.

۵. ابن عماد حنبلی، *شذرات الذهب فی اخبار ذهب*، ج ۳، ص ۲۷۲.

۶. گردیزی، *زین الاخبار*، ص ۲۰۵.

۷. جمال جوده، *اوضاع اجتماعی - اقتصادی موالی در صدر اسلام*، ص ۸۴.

۸. بلاذری، *فتوح البلدان*، ج ۶، ص ۵۶۳.

۹. طبری، *تاریخ طبری*، ج ۱۱، ص ۴۱۸۷؛ ذنبیل، *تاریخ سیاسی و اجتماعی خراسان در زمان حکومت عباسیان*، ص ۵۳.

به علت حمایت اعراب از تجارت، ظاهراً تجار خراسان در سایه امنیت ایجاد شده از سوی آنها، به تجارت می‌پرداختند به طوری که، اعراب با جلوگیری از حملات ترکان به خراسان، امنیت شغلی آنها را افزوده بودند. این امر به دلیل منفعت مالی تجار برای آنها بود؛ چراکه برخی از حاکمان در صورت مواجهه با مشکل مالی از آنها وام می‌گرفتند. چنانچه وقتی مهلب بن ابی‌صفره مأمور دفع خوارج شد، برای دخل و خرج سپاه از آنها وام گرفت.^۱ و نیز در لشکرکشی بکیر بن وشاح یکی از سرداران اموی، به ماوراءالنهر، وی مبلغ زیادی را از تجار سغد ساکن در مرو، وام گرفت.^۲

سغدی‌ها از مهم‌ترین و موفق‌ترین تجار خراسان به حساب می‌آمدند و حاکمان عرب به دلیل اینکه سغدی‌ها در ورود آنها به این سرزمین نقش مهمی را ایفا کردند، حامی آنها به‌شمار می‌رفتند.^۳ چنانچه وقتی که سعید بن خزینه، حاکم خراسان در حمله به سمرقند برای دفع ترکان، هر تهاجمی را به تجار ممنوع کرد^۴ و نیز سعید خرسی، حاکم دیگر خراسان، در حمله به سمرقند در سال ۱۰۳ ق با قتل نجبا و روستائیان، از قتل تجار امتناع کرد.^۵ تجار سغدی رفت‌وآمد زیادی به مرو داشتند و حتی یک بازار هم در آنجا به نام «سوق السغد» به نام آنها بود.^۶

از آنجا که اعراب، در طول دو قرن تسلط خود بر خراسان، از روابط بازرگانی این منطقه سود زیادی می‌بردند، دست به احداث کاروان‌سراهای متعددی در راه‌های تجاری خراسان زدند.^۷

در دوره عباسیان برای کنترل کاروان‌های تجاری و همچنین حفظ و حراست آنها در خراسان کاروان‌سراهایی ساخته بودند.^۸ ظاهراً بیشتر کاروان‌سراهای احداثی اعراب در خراسان در راه‌های منتهی به بلخ و شهرهای آن بود، زیرا این شهر علاوه بر اینکه مهم‌ترین پایگاه اعراب بود، بر سر راه بازرگانی شرق به غرب نیز قرار داشت و دروازه هندوستان و چین بود و اعراب از تجارت این

۱. بلاذری، فتوح البلدان، ج ۷، ص ۴۲۲.

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۸، ص ۳۶۵۰.

۳. فولتس، دین‌های جاده ابریشم، ص ۱۹ - ۱۷؛ فرای، میراث آسیای مرکزی، ص ۱۷؛ شعبان، فراهم آمدن زمینه‌های سیاسی و اجتماعی نهضت عباسیان در خراسان، ص ۱۱۴.

۴. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۴۰۱۴.

۵. ابن اثیر، الکامل، ج ۱۴، ص ۵.

۶. شعبان، فراهم آمدن زمینه‌های سیاسی و اجتماعی نهضت عباسیان در خراسان، ص ۳۲.

۷. ابن اثیر، الکامل، ج ۵، ص ۲۱۷؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۵۷۱.

۸. همان، ص ۲۴۱؛ مؤلف ناشناخته، حدود العالم، ص ۱۲۶؛ مقدسی، احسن التقاسیم، ج ۲، ص ۲۹۶.

شهر با سرزمین‌های هم‌جوار سود زیادی می‌بردند. اهمیت اقتصادی آنجا تا اندازه‌ای بود که وقتی در دوره حکمرانی اسد بن عبدالله در خراسان توسط ترکان به‌طور کامل تخریب شد، اسد بن عبدالله از نو آن را بازسازی کرد.^۱

چهار. نقش تجار و بازرگانان در روی کار آمدن عباسیان

ثروت حاصل‌شده تجار از موقعیت تجاری خراسان، نقش مهمی در تغییر حکومت‌ها ایفا می‌کرد و به‌طور کلی می‌توان گفت که تجار و بازرگانان نقش مؤثری در روی کار آمدن عباسیان داشتند؛ زیرا عباسیان داعیان خود را در لباس بازرگانان به خراسان ارسال می‌کردند. اولین داعی عباسی در خراسان، ابومحمد زیاد، از موالی همدان بود که از طرف امام محمد بن علی در سال ۱۰۹ ق در دوره حکمرانی اسد بن عبدالله به خراسان آمده بود. او در مرو به بازرگانی می‌پرداخت و ضمن آن به تبلیغ عباسیان نیز مشغول بود.^۲ دو تن دیگر از داعیان عباسی به نام‌های ابوعکرمه و حیان عطار در زمان حکومت سعید بن عبدالعزیز بن حکم بن عاص بر خراسان، از کوفه به این سرزمین آمده بودند، آنها شغل بازرگانی داشتند و در نواحی مختلف خراسان در رفت‌وآمد بودند و با طرح ستمگری و روش ناپسند بنی‌امیه، مردم را به بیعت با محمد بن علی فرا می‌خواندند.^۳ بنابراین داعیان عباسی با کسب سود زیاد از شغل تجارت و صرف سود آن در تبلیغات وسیع در نواحی مختلف خراسان با گردآوری و سازمان دادن نیروهای سیاسی و نظامی، فرایند سقوط امویان را تسریع بخشیدند.

به‌طور طبیعی شکل‌گیری اولین دولت‌های محلی در منطقه خراسان و دستیابی به استقلال نسبی از خلافت عرب، رابطه مستقیمی با موقعیت اقتصادی آن داشت. عمده تفاوت این دولت‌ها با حاکمان عرب خراسان این بود که آنها از موقعیت تجاری منطقه نهایت سود را بردند؛ چراکه با اعمال سیاست‌های اقتصادی مهم و افزایش تولیدات داخلی، موقعیت تجاری منطقه را افزایش دادند. در دوره طاهریان به‌علت حمایت آنها از تجارت، بازرگانی در خراسان رونق بسزایی داشت.^۴

در دوره طاهر بن حسین، شهر پوشنگ از رونق تجاری زیادی برخوردار شد به‌طوری که شهر به

۱. واعظ بلخی، فضائل بلخ، ص ۱۹.
۲. ابن‌خلدون، العبر، ج ۲، ص ۱۶۳؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۴۰۸۸ - ۴۰۸۷.
۳. همان، ص ۴۰۲۷؛ دینوری، اخبار الطوال، ص ۳۷۶، ابن‌اثیر، الکامل، ج ۱۳، ص ۲۵۵.
۴. یعقوبی، البلدان، ص ۶۳.

سوداگری چوب شهرت داشت.^۱

عبدالله بن طاهر نیز با اهمیت دادن به امر تجارت، موقوفاتی برای حفظ کاروان سراها اختصاص داد چنانچه رباط فراوه را در نزدیکی نساء احداث کرد.^۲

با انتخاب شدن نیشابور به پایتختی در دوره طاهریان، موقعیت تجاری شهر رشد بیشتری یافت، به طوری که عبدالله بن طاهر با اندیشه تقویت شهر، متخصصین هر رشته را به آنجا فراخواند.^۳ از این رو نیشابور به سرعت رو به ترقی نهاد و مراکز صنعتی و تجاری می توانستند تجار را به خوبی بپذیرند. توصیفاتى که جغرافیانویسان قرن چهارم هجری از وضعیت درخشان تجاری شهر ارائه می دهند، سرچشمه اش از دوره طاهریان بود.^۴

در اثر توجهات عبدالله بن طاهر به امر تجارت، وضعیت تجار شهر نیز عالی بود، به طوری که آنها در هنگام اعیاد، بخشی از ثروت خود را صرف ضیافت اهالی می کردند.^۵ امنیت و حراست راه نیز در زمان آنها تأثیر بسزایی در امر بازرگانی داشت. گزارش یعقوبی و ابن خردادبه درباره انواع راه های خراسان در قرن سوم بیانگر جایگاه اقتصادی - اداری آنهاست.^۶ در این دوره علاوه بر تجارت داخلی، تجارت با مناطق غربی نیز آغاز شده بود و ابن خردادبه از بازرگانان روسی یاد می کند که به شهرهای مختلف خراسان از جمله بخارا، سمرقند، نیشابور، مرو، هرات، بلخ، فرغانه آمدوشد داشتند.^۷ تجارت برده نیز از عوامل ثروت عظیم طاهریان بود برای نمونه می توان به دو هزار برده ترک غر اشاره نمود که توسط پادشاه کابل برای عبدالله بن طاهر فرستاده شد که ارزش آنها ششصد هزار درهم بود.^۸

بنابراین می توان گفت وضع درخشان اقتصادی خراسان در نتیجه اعمال سیاست های اقتصادی توسط طاهریان یکی از انگیزه های مهم دولت های محلی دیگر برای تصرف آنجا بود.

۱. نفیسی، تاریخ خاندان طاهری، ص ۱۵۹.

۲. ابن رسته، الاعلاق النقیسه، ص ۱۱۹؛ ابوالفدا، تقویم البلدان، ص ۵۰۷.

۳. یاقوت حموی، معجم الادیاء، ج ۶، ص ۱۵۹.

۴. مقدسی، احسن التقاسیم، ج ۲، ص ۴۷۵.

۵. حاکم نیشابوری، تاریخ نیشابور، ص ۲۰۱.

۶. یعقوبی، البلدان، ص ۷۶ - ۷۵؛ ابن خردادبه، مسالک و ممالک، ص ۳۲ - ۲۴.

۷. همان، ص ۱۵۴.

۸. همان، ص ۳۲.

نتیجه

اولین ساختار تشکیل دهنده موقعیت تجاری خراسان، رونق تولیدات صنعتی و زراعی و دامی منطقه بود که مازاد آن به مناطق دیگر صادر می‌شد و همچنین مؤلفه دیگر، موقعیت جغرافیایی منطقه بود که به لحاظ تجاری از اهمیت بسزایی برخوردار بود. زیرا این موقعیت به‌مثابه یک پل ارتباطی به‌شمار می‌رفت که نقش مهمی در روابط تجاری آنجا با شرق و غرب ایفا می‌کرد. وجود بازارهای متعدد در مناطق مختلف نیز به موقعیت تجاری و اقتصادی منطقه رونق بخشیده بود. از سوی دیگر، رونق تجاری این منطقه تحولات سیاسی و حماسی مهمی را در آنجا رقم زده بود و داستان‌های حماسی نیز بیشتر در آنجا شکل گرفتند. به‌طوری که محتوای اشعاری که در وصف این پهلوانان سروده می‌شد با نشانه‌های اقتصادی منطقه، ارتباط زیادی داشتند. از سوی دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که یکی از علل اصلی ورود یزدگرد ساسانی به این منطقه برای استفاده از ثروت آنجا به‌منظور بازپس‌گیری مناطق از دست رفته بود و از سویی نیز حضور قبایل بی‌شمار اعراب در آنجا با توجه به سابقه تجارت‌پیشگی‌شان گذشته از سودبری از موقعیت تجاری آنجا، نشئت گرفته از هم‌جواری این منطقه با سرزمین تجاری چین بود که کالای ابریشم آنجا به گوش اعراب نیز می‌رسید.

داعیان عباسی نیز با استفاده از شرایط تجاری منطقه در لباس تجار و بازرگانان توانستند با سازمان دادن نیروهای نظامی و سیاسی خراسان، حکومت امویان را ساقط نموده و سلسله خلفای عباسی را بنیان نهند.

منابع و مآخذ

۱. آذری، علاء‌الدین، *تاریخ روابط ایران و چین*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۲. ابن اثیر، عزالدین علی، *الکامل فی التاریخ*، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی، ۱۳۷۱.
۳. ابن حوقل، ابوالقاسم محمد، *صورة الارض*، بیروت، دار صادر، ۱۹۳۸ م.
۴. _____، *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.
۵. ابن خردادبه، *مسالك و ممالک*، ترجمه سعید خاکرند، تهران، مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی، ۱۳۷۱.
۶. ابن خلدون، *العبر*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.

۷. ابن رسته، *الاعلاق النفیسه*، ترجمه و تحقیق حسین قره‌چانلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.
۸. ابن عماد حنبلی، *شذرات الذهب فی اخبار ذهب*، تحقیق الارن اووط، دمشق - بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م.
۹. ابن فضلان، احمد، *سفرنامه*، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ، ۱۳۴۵.
۱۰. ابن فقیه، احمد بن محمد بن اسحاق، *البلدان*، ترجمه ح. مسعود، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
۱۱. ابن فندق، علی بن زید البیهقی، *تاریخ بیهقی*، تهران، ناشر کتابفروشی فروغی، ۱۳۶۱.
۱۲. ابوالفداء، *تقویم البلدان*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
۱۳. ادریسی، محمد بن محمد، *نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق*، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۹ ق.
۱۴. اشپولر، برتولد، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه مریم میراحمدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
۱۵. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، *مسالك و ممالک*، به اهتمام ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
۱۶. اعتمادالسلطنه، محمد بن حسن بن علی، *مرآة البلدان*، مصحح عبدالحسین نوائی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
۱۷. باسورث، ادmond کلیفورد، *تاریخ غزنویان*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۱۸. بلاذری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران، نشر نقره، ۱۳۴۶.
۱۹. ترابی طباطبایی، سید جمال، *سکه‌های شاهان اسلامی ایرانی*، تبریز، مهد آزادی، ۱۳۷۳.
۲۰. ثعالبی، ابو منصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل نیشابوری، *لطایف المعارف*، ترجمه علی اکبر شهابی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
۲۱. جمال، جوده، *اوضاع اجتماعی - اقتصادی موالی در صدر اسلام*، ترجمه مصطفی جباری و مسلم زمانی، نشر نی، ۱۳۷۴.
۲۲. جمشیدنژاد اول، غلامرضا، *نظام‌های اقتصادی صدر اسلام*، تهران، اساطیر، ۱۳۸۱.
۲۳. جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، *اشکال العالم*، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
۲۴. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، *تاریخ نیشابور*، تهران، نشر آگه، ۱۳۷۵.

- ۹۸ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۶، بهار ۹۴، ش ۱۸
۲۵. حبیبی، عبدالحی، *تاریخ افغانستان بعد از اسلام*، تهران، افسون، ۱۳۸۰.
۲۶. دنیل، التون، *تاریخ سیاسی و اجتماعی خراسان در زمان حکومت عباسیان*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
۲۷. دینوری، احمد بن داود، *اخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۱.
۲۸. زرین کوب، عبدالحسین، *دو قرن سکوت*، تهران، جاویدان، ۱۳۸۰.
۲۹. سرافراز، علی اکبر، *سکه‌های ایرانی از آغاز تا دوره زندیه*، تهران، سمت، ۱۳۸۷.
۳۰. سیرافی، سلیمان تاجر، *سلسله التواریخ یا اخبار الصين والهند*، تهران، اساطیر، ۱۳۸۱.
۳۱. شعبان، م.، *فراهم آمدن زمینه‌های سیاسی و اجتماعی نهضت عباسیان در خراسان*، ترجمه پروین ترکمنی آذر، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۶.
۳۲. صفی‌الدین عبدالمؤمن، ابن عبدالحق بغدادی، *مراصد الاطلاع فی معرفة الامکنه و البقاع*، بیروت، دار جلیل، ۱۴۱۲ ق.
۳۳. طبری، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۶۸.
۳۴. عقیلی، عبدالله، *دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی*، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، تهران، ۱۳۷۷.
۳۵. فرای، ریچارد، *بخارا دستاورد قرون وسطی*، ترجمه محمود محمودی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.
۳۶. _____، *عصر زرین فرهنگ ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات صدا و سیما، ۱۳۶۳.
۳۷. فرای، ریچارد، *میراث آسیای مرکزی*، ترجمه اوآنس اوآنسیان، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، ۱۳۸۶.
۳۸. فردوسی، ابوالقاسم، *شاهنامه*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹.
۳۹. فولتس، ریچارد، *دین‌های جاده ابریشم*، ترجمه ع. پاشایی، تهران، فرا روان، ۱۳۸۵.
۴۰. کریستین سن، آرتور، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، نگاه، ۱۳۸۴.
۴۱. گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک ابن محمود، *زین الاخبار*، تحقیق عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
۴۲. لسترنج، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمد عرفان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.

۴۳. مرادزاده، رضا، چگونگی و گسترش اسلام در چین، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲.
۴۴. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۵.
۴۵. مظاهری، علی، *زندگی مسلمانان در قرون وسطی*، ترجمه مرتضی راوندی، تهران، صدای معاصر، ۱۳۷۸.
۴۶. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، انتشارات مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱.
۴۷. مناظر احسن، محمد، *زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
۴۸. مؤلف ناشناخته، *تاریخ سیستان*، تصحیح ملک الشعرا بهار، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، پدیده خاوران، ۱۳۱۴ و ۱۳۶۶.
۴۹. _____، *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، ترجمه منوچهر ستوده، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۴۰.
۵۰. نفیسی، سعید، *تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان*، به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار، تهران، اساطیر، ۱۳۵۱.
۵۱. _____، *تاریخ خاندان طاهری*، تهران، اقبال، ۱۳۳۵.
۵۲. واعظ بلخی، فضائل بلخ، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
۵۳. واقدی، محمد بن سعد، *طبقات الکبری*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۳.
۵۴. یاقوت حموی، شهاب‌الدین، *معجم الادباء*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۰ ق.
۵۵. _____، *معجم البلدان*، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵ م.
۵۶. _____، *معجم البلدان*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، ناشر سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۳.
۵۷. یعقوبی، ابن واضح، *البلدان*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۴۳.



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني